



- دستور الملوك
- ميرزا رفيعا
- به كوشش و تصحيح: محمد اسماعيل مارچينكوفسكى
- ترجمه: على كردآبادى و با مقدمه دكتور منصور صفت گل
- ناشر: مركز اسناد و تاريخ ديپلماسى وزارت امور خارجه؛ ۱۳۸۵

ديوان سالارى صفوى

● عباس پناهى *

مقدمه

حکومت صفویه در بین دولت‌هایی که بعد از اسلام قدرت را در ایران به دست گرفتند، از اهمیت زیادی برخوردار است. این دولت با آن که با تکیه بر نیروی قزلباش و ایلات متعدد ترک قدرت را به دست گرفت، سعی کرد اصل تمرکز سیاسی را که توسط وزرای ایرانی سفارش و تأکید می‌شد و جزو اصول دیوان‌سالاری ایرانی بود دنبال کند. یکی از ویژگی‌های نظام دیوان‌سالاری ایرانی گستره قدرتمند این نظام در سراسر ولایات و ایالات ایرانی بود. به دلیل حاکمیت نسبتاً طولانی حکومت صفویه به نسبت حکومت‌های پیش از آن، ثبات سیاسی و اجتماعی در گستره قلمرو آن‌ها پدید آمد. این ثبات سیاسی در عصر شاه عباس اول صفوی بیشتر شد. در طی دوران حاکمیت شاه عباس علاوه بر رونق اجتماعی، اقتصادی و اداری در ایران، سیاحان اروپایی به منظور تجارت، سیاحت و روابط سیاسی به این کشور آمدند و گزارش‌های آن‌ها نشانه تحول اجتماعی و اداری ایران در عصر صفوی است. عصر صفوی همچنین برای علما و مذهب تشیع امامی نیز نقطه عطفی محسوب می‌شود؛ در پی تعمیم مذهب تشیع و تقویت علما و رسمی شدن مذهب تشیع، دستگاه مذهبی نسبت به گذشته تقویت شد و سازمان مذهبی خاصی برای اداره خود و جامعه پدید آورد و سلسله مراتب اداری و اجتماعی علما در این دوره به وجود آمد. هر چند مناصب، مشاغل، تشکیلات اداری و سلسله مراتب آن در طول دوران حاکمیت صفویه چندان به صورت مجموعه‌ای مدون دیده نشده است (زیرا قدرت اصلی در دست شاهان بود و ایشان از طریق وزیران و مباشران خویش به اداره مجموعه‌های تحت حاکمیت خود می‌پرداختند)؛ اما در اواخر عصر صفویه و با روی کار آمدن افغان‌ها در ایران، خلاء ناشی از صاحب‌منصبان قدرتمند اداری و بی‌تجربگی

افغان‌ها در اداره یک کشور بزرگ، سبب شد از دیوانیان و منشیان ایرانی بخواهند که کارکرد مناصب اداری و نحوه اداره کشور را تدوین کنند. البته لازم به ذکر است پیش از به قدرت رسیدن افغان‌ها، ضرورت تدوین چنین آثاری مشاهده شده بود و در پی آن شاه سلطان حسین، میرزا رفیعا را مأمور این کار کرد.

مشهورترین اثری که در دوره افغان‌ها درباره نظام اداری و اجتماعی عصر صفویه نوشته شده است، «تذکره الملوك» منسوب به میرزا سعیمیا است، او در سال ۱۱۳۸ هـ ق پس از سقوط دولت صفویه «مقارن سال دوم سلطنت اشرف، به عنوان راهنمایی فاتحان ایران که به علت اصل و نسب و پرورش فرومایه خویش عاری از تجربه در فن مملکت‌داری بودند» این کتاب را نوشته است، نویسنده اثر از مأموران و دیوانیان ارشد اداری در عصر صفوی بوده و به خوبی از کارکرد مشاغل و ادارات آگاه بوده است. هدف تذکره الملوك بررسی ساختار اداری با تکیه بر اوضاع داخلی ایران در قرن دوازدهم هـ ق بود. مینورسکی معتقد است که این اثر «روح واقعی دستگاه اداری صفویه است».

یکی دیگر از آثاری که اوضاع اداری و دستگاه حکومتی اواخر عصر صفویه را گزارش می‌دهد، رساله‌ای تحت عنوان القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه به قلم میرزا علی نقی نصیری، از خاندان مشهور نصیری است، او صاحبان مشاغل را به ده طبقه تقسیم کرده است. از نوشته‌های اداری و اجتماعی دیگر عصر صفوی می‌توان به «مجمع الانشاه» ی حیدر بیگ ایواوغلی اشاره کرد که مجموعه‌ای از اسناد رسمی قرن یازدهم هـ ق است؛ این اسناد گویای اوضاع اداری آن دوره است. از مجموعه منشآت دیگر می‌توان «منشآت» عبدالحسین نصیری طوسی را نام برد که تحت عنوان «تحفة شاهی» یا با عنوان

با آن که این اثر یک کتاب تاریخی نیست، نویسنده در هر جا که به شرح مطلبی می‌پردازد، از عبارات پیچیده استفاده می‌کند. این سبک و روش، بعدها در دوره نادری و عصر زندیه به کمال می‌رسد.

میرزا رفیعا در کتاب دستور الملوک در مجموع یکصد و شصت و دو شغل و صاحب منصبی که آن‌ها را اداره می‌کرد، نام برده است

دستور الملوک را مبنای کار خود قرار داده است؛ این الگو برداری در متن مشاهده می‌شود. دستور الملوک دارای متنی دشوار و مملو از اصطلاحات دیوانی عهد صفویه است، به طوری که برای بررسی و مطالعه دقیق آن نیاز به دانشی وسیع و ژرف درباره ابعاد گوناگون تاریخ سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی [جامعه] ایران به طور عام و ایران عهد صفوی به طور خاص است.^{۱۳} دکتر صفت گل کتاب را در سه بخش عمده مورد ارزیابی و ملاحظه انتقادی قرار داده است:

۱- ملاحظاتی انتقادی درباره مقدمه ۲- ارزیابی زیرنویس‌های متن ترجمه شده انگلیسی دستور الملوک ۳- بررسی تعلیقات پایانی کتاب.^{۱۴} از آن جا که پیش از انتشار این کتاب، پژوهش‌هایی درباره این اثر توسط استاد ایرج افشار، محمدتقی دانش‌پژوه و دیگران انجام شده بود، در مجموع کتاب‌شناسی کوتاهی در این زمینه ارائه داده است؛ و تعلیقات و تصحیحات کتاب را با آثار دیگر محققان عصر صفوی مقایسه و مورد نقد و ارزیابی قرار داده است. وی می‌نویسد: «دستور الملوک متنی پراهمیت است. دلایل این اهمیت هنگامی بیشتر روشن می‌شود که این متن به مثابه نموداری از مبانی تمدنی جامعه ایرانی در روزگار صفویان در نظر گرفته شود. بنابراین محتوای متن صرفاً گزارشی بی‌روح از تشکیلات اداری عصر صفوی نخواهد بود، بلکه می‌توان در آن به چشم منبعی گرانقدر نگریست که حاوی جزئیات و تفصیلات پراهمیتی درباره تاریخ اجتماعی و اقتصادی و تمدنی ایران است».^{۱۵}

مقدمه دوم کتاب به قلم مارچینکوفسکی است. مصحح با توجه به تسلطی که در زمینه کتاب‌شناسی عصر صفوی داشته است، به بررسی منابع و مآخذ صفوی که در زمینه آداب الملوک و خاندان صفوی نوشته شده پرداخته است. و آغاز بحث خود را مانند سایر صفوی‌پژوهان، بررسی صفوةالصفای ابن بزاز توکلی قرار داده است. وی درباره مطالعات صفوی پیشنهاد می‌کند: «... به هر حال، روشن است که برای پوشش همه جنبه‌های مطالعات صفویه به رویکرد میان‌رشته‌ای نیاز است که مورد نظر همه کسانی که با مطالعات عثمانی [و صفوی] سروکار دارند، فلاسفه تاریخ، متخصصان نظام اداری، صاحب نظران در حوزه اندیشه اقتصادی اسلامی و تاریخ نظایر آن باشند».^{۱۶} در ادامه مقدمه دوم، مصحح گفتاری تحت عنوان اهمیت کلی دستور الملوک و تذکره الملوک و مقایسه آن‌ها را می‌آورد. مارچینکوفسکی

«مکاتیب زمانه سلاطین صفوی» نیز از آن یاد شده است.^{۱۷} «منشآت السلاطین» فریدون بیگ مجموعه عظیمی از مکاتبات سلاطین عثمانی با شاهان ایران و سایر دولت‌ها است. این مجموعه نیز گزارشی است از اوضاع اداری ایران به قلم یک تبعه عثمانی.^{۱۸} «منشآت حسن خان شاملو» و مجموعه منشآت که در کشورهای گرجستان، آذربایجان، ارمنستان و دیگر کشورهای همسایه ایران قرار دارد، نیز در توضیح و تبیین اوضاع اداری ایرانی عصر صفویه بسیار ارزشمند است.^{۱۹}

در کنار این آثار فارسی و غیرفارسی با ارزش عصر صفوی، سفرنامه‌های اروپاییان نیز حاوی مطالب بسیار ارزشمندی درباره اوضاع اجتماعی-اداری و نقش و کارکرد مشاغل در ایران است، از میان این سفرنامه‌ها، سفرنامه شاردن، سانسون، پیتروودولاواله، تاورنیه و سفرنامه‌های ونیزیان اهمیت زیادی در بازگویی اوضاع اداری و اجتماعی ایران دارند.^{۲۰} و اما کتاب ارزشمند «دستور الملوک» که توسط محمد رفیع انصاری مستوفی الممالک (میرزا رفیعا) نوشته شده است، مسائل تشکیلاتی و اداری دولت صفوی را شرح می‌دهد. در متن این اثر کشورهای و کارکردهای درباریان و دیوانیان معین و به نام شاه سلطان حسین در پانزده باب و یک خاتمه تدوین شده است. نخستین بار این اثر به کوشش مرحوم محمد تقی دانش‌پژوه در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در شماره‌های ۷۰-۶۳، سال شانزدهم و شماره‌های یکم تا ششم بین سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۴۸ معرفی شد. نسخه خطی این اثر در یزد و نسخه‌ای دیگر از آن در کتابخانه حیدرآباد هنر نگهداری و حفاظت می‌شود.^{۲۱} کتاب حاضر به کوشش و تصحیح محمد اسماعیل مارچینکوفسکی^{۲۲} به زبان انگلیسی منتشر شده است. ترجمه فارسی این اثر توسط علی کردآبادی و به همت مرکز اسناد و دیپلماسی وزارت امور خارجه در سال ۱۳۸۵ و با مقدمه مفصل و ارزشمند دکتر منصور صفت گل چاپ و منتشر شد. مارچینکوفسکی با ترجمه، تصحیح و چاپ آن به زبان انگلیسی این اثر ارزشمند اداری، اجتماعی ایران عصر صفوی را به محققان تاریخ و صفوی‌شناسان دنیا معرفی کرد. هر چند محققان عصر صفوی با استفاده از کتاب‌های تاریخی این دوره با تاریخ صفویه آشنا می‌شدند، اما درباره نقش و کارکرد اوضاع اداری و اجتماعی آن عصر، آگاهی اندکی داشتند. مؤلف تذکره الملوک نیز، در برخی موضوعات،

دستورالملوک دارای متنی دشوار و مملو از اصطلاحات دیوانی عهد صفویه است، به طوری که برای بررسی و مطالعه دقیق آن نیاز به دانشی وسیع و ژرف درباره ابعاد گوناگون تاریخ سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی [جامعه] ایران به طور عام و ایران عهد صفوی به طور خاص است

این سؤال پرفسور کاظمی موسوی را مطرح می‌کند که چرا دستور الملوک و تذکره‌الملوک در اواخر عصر صفویه نوشته شده است؟ پرفسور موسوی در پاسخ به سؤال خود می‌گوید: ضرورت نگارش این کتب بیشتر اصلاح مجدد و انتظام بهتر نظام اداری در آن زمان بود.^{۱۷} گویا این پاسخ از نظر مصحح گویای علت تدوین دستورالملوک بوده است، زیرا اظهار نظر مهم دیگری ارائه نمی‌دهد.

میرزا رفیعا

در مورد زندگی و اوضاع او اطلاعات زیادی در دست نیست. او خود را چنین معرفی می‌نماید: «کمترین بندگان حضرت باری محمد رفیع انصاری مستوفی - الممالک». این خاندان نسبت خود را به جابر انصاری می‌رسانند.^{۱۸} با توجه به متن کتاب می‌توان به این نتیجه رسید که میرزا رفیعا صاحب مقامی عالی رتبه در دستگاه دیوانی دولت صفوی بوده است و از آن جایی که بیشتر مشاغل به ویژه مستوفی‌گری در خاندان‌های مهم به صورت ارث به فرزندان منتقل می‌شد، پیشینیان او در این شغل و دیگر مشاغل مهم عصر صفوی صاحب جاه و مقام بوده‌اند.

اهمیت متن کتاب

همان طور که پیش از این آورده شد، کتاب دستورالملوک صرفاً یک نوشته اداری در زمره آداب‌الملوک نیست، بلکه در این کتاب، خواننده با چگونگی اداره امور قلمرو نظام پادشاهی و نحوه کار مشاغل آشنا می‌شود. چگونگی تأمین نظام و امنیت در کشور به ویژه ایالات و ولایات به دقت در آن گزارش شده است. اهمیت امور کشاورزی و اقتصادی و دیدگاه پادشاه صفویه در این امور را به دقت می‌توان جستجو کرد. وضعیت نظامی و ساختار آن در عصر صفوی و همچنین سلسله مراتب نظامیان یکی از موارد مهمی است که میرزا رفیعا به آن توجه کرده است.

میرزا رفیعا درباره انگیزه و علت تدوین این اثر می‌نویسد:

«... اما بعد، چون پیوسته نظر والا و مقصود ضمیر خورشید، ضیا، اعلی حضرت گردون بسطت... شاه سلطان حسین... مصروف و معطوف بر آن است که مراعات قوانین و ضوابط پادشاهان نصف آیین سلف فرموده، تزلزل در بنیان مشیدالارکان آنها راه نیافته، احدی جرات تخلف و تجاوز از آن ننماید...»

در ادامه می‌نویسد که در روزگار پادشاهان صفوی پیش از شاه

سلطان حسین، صاحب‌منصبان زیادی بر مشاغل همایونی، رتق و فتق امور مشغول بودند «... بر مرآت ضمیر اقدس چنان پرتوافکن گردید که کمترین بندگان حضرت باری، محمد رفیع انصاری مستوفی الممالک رساله در باب قواعد و ضوابط ایشان ترتیب داده به عرض باریافتگان محفل خلد مشاغل اقدس رساند...»^{۱۹}.

نویسنده هدف خود را ثبت و ضبط مشاغل دیوانی در عصر شاه سلطان حسین بیان کرده است. نکته مهمی که در سبک نوشتاری دستورالملوک مشاهده می‌شود، نثر مصنوع نویسنده است؛ با آن که این اثر یک کتاب تاریخی نیست، نویسنده در هر جا که به شرح مطلبی می‌پردازد، از عبارات پیچیده استفاده می‌کند تا فن و روش منشئیانه خود را به رخ خواننده بکشانند. این سبک و روش، بعدها در دوره نادری و عصر زندیه به کمال می‌رسد.

مصحح با توجه به اشاراتی که مؤلف درباره اوضاع آشوب‌زده و هرج مرج جامعه و تمجید و ستایش از اهل تسنن نظیر «خلفای برحق راشدین» و دیگر مباحث ارائه می‌دهد، به این نتیجه می‌رسد که این اثر در زمان اسارت شاه سلطان حسین نوشته شده است. گرچه مؤلف در متن کتاب می‌نویسد که تألیف اثر به دستور پادشاه، شاه سلطان حسین (۱۱۰۶ - ۱۱۳۵ هـ.ق) تنظیم شده است، اما با توجه به خاتمه کتاب که مفقود شده است، زمان تألیف کتاب باید اندکی پیش از مرگ وی که در سال ۱۱۳۷ هـ.ق / ۱۷۲۵ میلادی و توسط افغان‌ها صورت گرفته است، باشد. با توجه به این مقدمات، مصحح به این نتیجه می‌رسد که کتاب دستورالملوک به دستور افغان‌ها و برای راهنمایی آن‌ها نوشته نشده است، بلکه با توجه به این ملاحظات می‌توان تاریخ تألیف کتاب را بین سال‌های ۱۱۳۵-۱۱۳۷ هـ.ق دانست، اما باز هم نمی‌توان به یک نتیجه قطعی دست یافت و بررسی‌های بیشتر در این زمینه شایسته است.^{۲۰}

متن کتاب دستورالملوک

دستورالملوک شامل یک دیباچه و شش باب و به نام شاه سلطان حسین صفوی است. البته درباره تقسیم‌بندی کتاب مؤلف می‌نویسد که این رساله محتوی است بر پانزده باب و خاتمه، ولی مصحح کتاب مارچینکوفسکی در تصحیح کتاب آن را در شش باب ارائه داده است.

باب اول: درباره مقامات مذهبی است و ده شغل و صاحب‌منصب مذهبی را نام برده است که از جمله عبارتند از: ۱- ملاباشی ۲-

عصر صفوی برای علما و مذهب تشیع امامی نقطه عطفی محسوب می‌شود؛ در پی تعمیم مذهب تشیع و تقویت علما و رسمی شدن مذهب تشیع، دستگاه مذهبی نسبت به گذشته تقویت شد و سازمان مذهبی خاصی برای اداره خود و جامعه پدید آورد

صدر خاصه و صدر عامه ۳- متولی آرامگاه امام رضا(ع) ۴- متولی آرامگاه حضرت معصومه (س) در قم ۵- متولی آرامگاه شاه عبدالعظیم در تهران ۶- متولی مزارات سلاطین صفویه در قم ۷- متولی مزارات صفویه در اردبیل ۸- شیخ الاسلام اصفهان ۱۰- قاضی عسکر اصفهان ۲۱. به جهت رسمی شدن مذهب تشیع در عصر صفوی و تحکیم آن در این دوره بررسی و آشنایی با این مشاغل از اهمیت زیادی برخوردار است.

باب دوم: در بیان منصب هر یک از امرای عظام

این بخش شامل یک مقدمه درباره امرای سرحد و امرای درگاه، بیگلربیگیان، وزرا و درباریان است. در این بخش میرزا رفیعا به چهل و یک شغل که دستگاه اداری صفوی دارنده اشاره می‌کند که در رأس آن‌ها والیان و وزیر دیوان اعلی و در انتها «امیر آخورباشی صحرا» قرار دارد.^{۲۲}

باب سوم: مقامات درباری ملقب به «مقرب‌الخاقان» و یا «علی‌جاه». در این بخش درباره هفده منصب اداری و وظایف آن بحث می‌کند.^{۲۳}

باب چهارم: عمال، وزرا، کلانتران و غیرهم که لقب «مقرب‌الخاقان» یا «مقرب‌الحضرت» نداشتند. در این بخش پانزده منصب اداری را که عموماً در دربار صفوی و پایتخت حضور داشتند نام می‌برد.^{۲۴}

باب پنجم: مقرب‌الحضرت‌ها که شامل پنجاه و هفت شغل اداری، نظامی و درگاه خانه شاهی بودند به ترتیب اهمیت و اعتبار آن‌ها نام می‌برد.^{۲۵}

باب ششم: اصحاب دفترخانه همایون اعلی، از اصحاب توجیه تا «بیمیشچی باشی» را که شامل سی و پنج شغل و نحوه کار آن‌ها بوده است، معرفی می‌کند.^{۲۶}

میرزا رفیعا در کتاب دستور الملوک در مجموع یکصد و شصت و دو شغل و صاحب منصبی که آن‌ها را اداره می‌کرد، نام برده است.

* Email: panahi76@yahoo.com

پی‌نوشت:

۱. سیوری، راجر؛ ایران در عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، خوارزمی، تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۳.
۲. صفت گل، منصور؛ ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، انتشارات رسا، تهران، ۱۳۸۱، دباچه.
۳. لکه‌پارت، لارنس؛ انقراض سلسله صفوی و برآمدن افغانه، ترجمه

مصطفی قلی عماد، قطره، تهران، ۱۳۷۲، ص ۵۶.
 ۴. مینورسکی، سازمان اداری حکومت صفوی (تذکره الملوک)، ترجمه مسعود رجب‌نیا، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۸، ص ۱۴.
 ۵. ثواقب، جهانبخش؛ تاریخ نگاری عصر صفویه، نوید شیراز، شیراز، ۱۳۸۰، ص ۱۵۷.

۶. همان، ص ۱۶۰

۷. همان، ص ۱۶۱

۸. همان، ص ۱۶۲

۹. همان، ص ۱۶۳

۱۰. یوسف جمالی، محمدکریم؛ تاریخ تحولات ایران در عصر صفوی، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد، نجف‌آباد، ۱۳۸۵، صص ۱۳۲-۱۰۱.

۱۱. عنوان کامل این اثر در هند تحت این مشخصات: محمد رفیع انصاری مستوفی- الممالک، دستورالملوک، نسخه خطی، حیدرآباد، موزه سالار جنگ ۲۴۰ تاریخ (۲۰۲۰ ف) نستعلیق خوب سده ۱۲، ۱۱۰ برگ ۲۱ سطری. به نقل از جهانبخش ثواقب، همان، ص ۱۵۴.

۱۲. آقای دکتر محمد اسماعیل مارچینکوفسکی عضو مرکز بین المللی اندیشه و تمدن اسلامی مالزی (ایستاک) در سال ۱۹۹۸ میلادی ترجمه و توضیح مطالب کتاب دستورالملوک را به عنوان رساله دکتری خود انتخاب کرد و این کتاب در سال ۱۳۷۹ به عنوان بهترین پژوهش فرهنگی سال انتخاب شد.

میرزا رفیعا، دستورالملوک به تصحیح محمد اسماعیل مارچینکوفسکی ترجمه علی کردآبادی، مرکز اسناد دیپلماسی وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۵، ص ۱.

۱۳. همان، صص ۴ و ۳.

۱۴. همان، ص ۴.

۱۵. همان، ص ۱۱.

۱۶. همان، ص ۹۲.

۱۷. همان، ص ۹۲.

۱۸. همان، ص ۱۷۱.

۱۹. همان، ص ۱۷۱.

۲۰. دستورالملوک، همان، ص ۱۰۷-۱۰۵.

۲۱. دستورالملوک، همان، ص ۱۶۰.

۲۲. همان، ص ۱۶۲.

۲۳. همان، ص ۱۶۲.

۲۴. همان، ص ۱۶۳.

۲۵. همان، ص ۱۶۴-۱۶۶.

۲۶. همان، ص ۱۵۸-۱۵۶.